

چند کلامی با موسوی خوئینی‌ها

یادداشت اختصاصی



سید امیر خرم

سیزدهم آبان، مصادف است با سالگرد به تسخیر در آوردن سفارت سابق آمریکا توسط جمعی از دانشجویان آن زمان و مردان سیاست امروز، واقعه‌ای که همچنان پس از سال‌ها، نتایج آن

روایتی از نقش آیت‌الله موسوی خوئینی‌ها در تسخیر سفارت

رهبر معنوی یا جعبه سیاه تسخیر سفارت

• **اعظم و بیسمه** •

روزنامه نگار

۳۸ سال پس از تسخیر سفارت آمریکا، تعدادی از دانشجویان که خود را در بیانیهٔ اول پس از تسخیر «پیرو خط امام» نامیدند تا سایر گروه‌های سیاسی از جمله گروه‌های چپ‌اشتباه گرفته نشوند، هنوز آیت‌الله موسوی خوئینی جعبه سیاه این رویداد تاریخی است. پاسخ بسیاری از سوالات و ابهامات به او برمی‌گردد، حتی اگر خودش بگوید «من لیبر دانشجویان نبودم» بزرگ‌برگ اتفاقات تسخیر سفارت آمریکا حوادث پس از آن به‌نام «موسوی خوئینی‌ها» گره خورده است. چه زمانی که سن آن دانشجویان (میردادادی، اصغرزاده و بیطرف) باقر اقبلی به دفتر او در جام‌چم رفتند و برنامه خود برای تسخیر سفارت را با او در میان گذاشتند، چه زمانی که او دانشجویان را از اینکه برنامه‌شان را با امام (ره) مطرح کنند منع کرد و نه گفت: رهبری بلکه دولت موقت را در یک غافلگیری قرار داد، چه زمانی که مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی اقامه نماز در حیاط سفارت را درست ندانست و گفت «محل سفارت غصبی است و نماز ندارد» این موسوی خوئینی‌ها بود که شبیه‌راهی برای دانشجویان بر طرف و نماز را اقامه کرد.

آن گونه که آیت‌الله موسوی خوئینی‌ها گفته امام (ره) توسط فرزندشان سیداحمد خمینی در جریان ماجرا قناری می‌گیرند؛ «به محض آغاز ماجرا بنده به دفتر حضرت امام خمینی(ره) که آن زمان قم بودند تلفن زدم. مرحوم حاج‌محمد آقاگوشی تلفن را برداشتند. موضوع را به ایشان اطلاع دادم و درخواست کردم که به اطلاع حضرت امام برسانند و بگویند که دانشجویان مورد اعتماد بنده هستند و هر جور که امام بفرمایند عمل خواهد شد. حاج‌احمد آقا بنده گفت که گوشه‌ی رانگه دارید. ایشان زمان درام‌رفت و پس از دو یا سه دقیقه برگشتند و قول آقا امام به بنده گفتند که خوب جایی را گرفته‌اید، محکم نگه دارید.»

جمله‌ای که «موسوی خوئینی‌ها» به دانشجویان منتقل می‌کند و به نوعی تاییدی به‌اسام را برای آنها می‌گیرد. پس از آن کار بازسازی و انتشار اسناد از سفارت آمریکا که دیگر «لانه جاسوسی» نامیده می‌شد، آغاز می‌شود. اسنادی که پس از آن منتقدان اعلام کردند گزینشی است و برای زدن افراد خاص و بصورت جهت‌دار منتشر شده‌است. مرحوم مهندس

«ما با تمام محدودت‌هایی که در کشف اسناد ناقص به‌دست آمده داریم و با توجه به اینکه اسناد اصلی توسط مزدوران از بین رفته است کوشش فراوان داریم که جهت اطلاع دقیق و هر چه بیشتر مردم مسلمان با اطلاعاتی‌های افشاگرانه بعدی خود به‌طور مشخص محتویات اسناد به‌دست آمده را ارائه کنیم.» این جملات پایان‌بخش اولین اطلاعیه‌افشاجری دانشجویان تسخیرکننده سفارت آمریکا خطاب به ملت مسلمان ایران است که طی آن روند آزادسازی اسناد سفارت آمریکا آغاز شد.

تسخیر روزهای ابتدای ابهامات به‌حدی بزرگ بود که حتی حمایت رسانه ملی برای انتشار و اعلام این اسناد، هیچ‌گاه باعث نشد تا محققان و مولفان، از وقایع و صحت این اسناد مطمئن حاصل کنند. ابراهیم اصغرزاده به‌عنوان یکی از پنج عضو شورای امر کرزی دانشجویان تسخیرکننده سفارت، در روزهای که گرد‌دستی‌بیرومواهبش نشسته است در مورد انتشار اسناد می‌گوید: «هم‌معیارها و مکانیسمی داشتیم تا مشخص شود که یک سند چقدر دارای اهمیت است و ارزش انتشار را دارد. بعد از اینکه دانشجویان اسناد را پیدا و ترجمه می‌کردند، آن را به شورای امر کرزی می‌فرستادند تا درباره انتشار آن تصمیم‌گیری شود. مطابق معیارهای مشخص شده، اسنادی که درباره شخصیت‌های داخلی بود پیش از انتشار به نوعی حتما باید به اطلاع امام می‌رسید

گروگان و گروگان‌گیر پشت یک میز

روز جمعه نهم مردامه سال ۱۳۷۷ به دعوت حسین عالیخانی، تاجر ایرانی مقیم قبرس، جلسه‌ای در پاریس برگزار شد تا در آن عباس عبدی از دانشجویان حاضر در تسخیر سفارت آمریکا با یوزن از گروگان‌های سفارت پس از ۱۸ سال ربوهری هم بنشینند و از گذشته و آینده روابط ایران و آمریکا سخن بگویند. این برنامه در مقر سازمان آموزشی و تربیتی سازمان ملل متحد- نیوسکو- با همکاری این سازمان و به‌مدیریت ایک روزولود دیپلمات فرانسوی و سهام‌دار مجله لوموند ترتیب داده شد.

عبدی در آن زمان به‌عنوان عضو بزرگ‌ترین حزب حامی رئیس‌جمهور وقت (خانمی) چهره‌ای اصلاح‌طلب بود، جریانی که نماد سیاست

-تکنه‌اول، رجوع به سخنان کسی برای تایید یا رد یک عمل، هنگامی می‌تواند واجد معنا تلقی شود که جمیع سخنان و مواضع آن فرد ملاک عمل قرار گیرد. ارجاع به تنها یک جمله از یک فرد در یک شرایط خاص و چشم‌پوشی از سایر مواضع بیان شده از سوی آن شخص، منطقال نمی‌تواند به‌عنوان دلیلی بر صحت مدعا تلقی شود. به این شکل ارائه ادله، در علم منطق «مغالطه نقل قول ناقص» گفته می‌شود. در این مورد نیز مطلوب آن است که نویسنده محترم جمیع مواضع مرحوم یزدی را در طول سال‌های حیات ایشان، در خصوص تسخیر سفارت آمریکا ملاک عمل قرار دهد. در این صورت قطعاً روشن خواهد شد که مرحوم یزدی از جمله

کسانی بوده‌است که اگر چه با نفوس تسخیر سفارت در آن مقطع از تاریخ انقلاب اسلامی موافق بوده است، لیکن با تطویل آن به‌شدت مخالف بوده و دلایل متعددی نیز در این رابطه بیان داشته‌است. بنابراین ارجاع به تنها یک جمله از مرحوم یزدی و چشم بستن بر سایر نکاتی که ایشان در رابطه با موضوع تسخیر سفارت آمریکا عنوان کرده‌اند، خلاف منطقی و نیز به جهت قلب حقیقت، خلاف اخلاقی است.

تکنه دوم؛ فرض بگذاریم که کسی مانند مرحوم یزدی یا هر صاحب‌نظر دیگری، همواره از تصرف سفارت دفاع کرده و این عمل را هم ضرورت آن دوران بداند، اما آنچه مسلم است صحت یک عمل

را بر اساس نتایج آن باید سنجید و نه کسب تاییدی‌ه از دیگران. به‌عبارت دیگر جناب موسوی خوئینی‌ها باید به این پرسش تاریخی پاسخ دهند که اولاً علت طولانی‌شدن زمان اشغال سفارت چه بود و چرا این مدت که قرار بود تنها چند روز باشد (به‌گفته جناب آقای اصغرزاده، از دانشجویان پیرو خط امام) ۴۴۴ روز به‌طول انجامید. ثانیاً این طولی زمان اشغال، آیا منجر به حفظ منافع ملی و امنیت ملی یا برعکس موجب تهدید و تضعیف این دو شد؟ چرا که آنچه باعث شده‌عمل اشغال سفارت همچنان در ذهنیت جامعه باقی مانده باشد، اثرات نامطلوب و درازمدتی است که این عمل بر منافع ملی و امنیت ملی کشور گذاشته‌است.



ماجرای گروگانگیری که در فضای بین‌المللی نیز جو را علیه ایران کرده بود تضعیف جریان اعتدالگرا در داخل کشور در اوایل انقلاب رقم خورد. اتفاقی که به گفته‌این تحلیلگران تأثیر دوار بر تدوین قانون اساسی نیز گذاشت. در این مدت تلاش بسیاری از سوی دولت آمریکا برای آزادسازی گروگان‌ها اتفاق افتاد که موفق نبوده در داخل کشور نیز رفته رفته از حمایت قطع اولیه از ماجرای تسخیر سفارت کاسته شد و کم‌کم معترضان صدای خود را بلند کرده و خواهان پایان یافتن ماجرا شدند.

اشغال سفارت آمریکا بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های داخلی و خارجی داشت. از جمله این بازتاب‌ها گمانه‌زنی‌های رسانه‌های آمریکایی و انگلیسی در خصوص شخصیت روحانی کمتر شناخته شده «موسوی خوئینی‌ها» بود که‌ه از به‌عنوان «ملای سرخ» یاد کرده و او را متهم به تحصیل در شوری و اروپای شرقی می‌کردند؛ اتهامی دروغین که در پس آن سعی داشتند از نقش شوری در تسخیر سفارت آمریکا بگویند و نقش موسوی خوئینی‌ها در این حادثه را بزرگ می‌دیدند.

سرانجام تصمیم‌گیری در خصوص گروگان‌ها توسط امام به مجلس اول سپرده می‌شود. در آن زمان هنوز مجلس تشکیل نشده بود. موسوی خوئینی‌ها درباره این تصمیم مسائل گوناگون و نقاط مرزی، زمانی که حضرت امام بیمار شدند و قم به تهران آمدند و در بیمارستان بودند. آن ایام فشار زیادی برای آزاد کردن گروگان‌ها وارد می‌شد. من با حاج احمدآقا رفیقیم خدمت امام در بیمارستان قلب و از

خمینی مبنی بر اینکه: «اگر سندی درباره من هم پیدا کردید منتشر کنید. اسناد را به اطلاع مردم برسانید، بدون اینکه شخصیت کسی را لجن مال کنید» در انتشار اسناد، ملاحظاتی را داشته‌اند. هاشم صایغیان، وزیر کشور، دولت‌موقت که خود و هم‌راهانش یکی از اهداف تخریبی اسناد منتشر شده توسط دانشجویان بودند این گونه شرایط را توضیح می‌دهد: «دانشجویان تنها اسنادی را احیا و بعد منتشر کردند که در نفع جناح خاصی بود. طبیعی است انتظار داشته باشیم سفارت آمریکا از مبارزان زمان سنده جمع‌آوری کند نه تنها از فعالان ملی یادر کل غیرمذهبی. اما در نهایت طبق اسناد منتشر شده به هر روی اگر در آن روزها به‌مسد حمایت رسانه‌ای دولتی از دانشجویان پیرو خط امام، برای افکار عمومی ادعاهای آنان پذیرفتی جلوه می‌کرد، نزد چهره‌های فعال و نفوذان آن روزهای انقلاب وضعیت دیگر گونه بود. برخی به مانند شهید بهشتی اعتراض نهانی و سکوت علی را بر گزیده بودند و برخی دیگر چون شیخ علی تهرانی، معلم اخلاق دانشجویان درون سفارت، به جهت تضعیف رقبای سیاسی خود در حزب جمهوری اسلامی به انتشار اسناد مربوط به آن‌ها اصرار داشتند. چهره‌های دیگری چون مهندس بازرگان هم از ابتدا با دستمعهای سیاسی قرار گرفتن انتشار اسناد مخالفت جدی داشت و در حالی که از ملاقات‌های چهره‌هایی چون شهید بهشتی و آیت‌الله موسوی اردبیلی باخبر بود اما از این اطلاعات موق خود برای مقابله به مثل هیچ‌گاه استفاده نکرد.

خود در حزب جمهوری اسلامی به انتشار اسناد مربوط به آن‌ها اصرار داشتند. چهره‌های دیگری چون مهندس بازرگان هم از ابتدا با دستمعهای سیاسی قرار گرفتن انتشار اسناد مخالفت جدی داشت و در حالی که از ملاقات‌های چهره‌هایی چون شهید بهشتی و آیت‌الله موسوی اردبیلی باخبر بود اما از این اطلاعات موق خود برای مقابله به مثل هیچ‌گاه استفاده نکرد. در این میان آنچه محل سوال باقی می‌ماند، علت و چرایی گزینش اسناد توسط دانشجویان پیرو خط امام است. اکنون و پس از گذشت سه دهه از آن روزهای پر آشوب انتشار سند ملاقات آیت‌الله بهشتی با کاردار سفارت آمریکا به همراه توضیحات فرد موتری چون ابراهیم



اصغرزاده تاحدی روشن شده‌است اما تا شفافیت نهایی همچنان فاصله هست. یکی از علل مهم باقی ماندن ابهامات این اتفاق عظیم، سکوت طولانی مدت آیت‌الله موسوی خوئینی‌ها، تنها فرد غیر دانشجویی دخیل در تسخیر سفارت است. اصغرزاده می‌گوید جمع آنان در شورای امر کرزی به این جمع‌بندی رسیده بودند که در سند مربوط به شهید بهشتی «چیز خاصی» وجود ندارد، اما در این اثنا از راز مهمی پره برمی‌دارد: «درباره انتشار اسنادی که به اشخاص از بیاط داشت، شورای امر کرزی آنظر امام را کسب می‌کردند و در اینجا آقای موسوی خوئینی‌ها نظر نهایی و تویبی داشتند.»

آیت‌الله موسوی خوئینی‌ها ایستگاه پایانی تمامی بررسی‌هایی در رابطه با تسخیر سفارت آمریکا در سال ۱۳۵۸ و ۴۴۴ روز نگهداری از گروگان‌های آمریکایی است. مخزن اسرارری که با وسواسی شبیه‌برانگیز از گوشودن مخزن اطلاعات خودبا دارد. هر چند چندی پیش و بلافاصله پس از درگذشت دکتر ابراهیم یزدی گوشه‌ای از این مخزن را گشود و مدعی شد آن مرحوم حامی تسخیر سفارت بوده است. اما چه فایده که دیگر امکان پاسخگویی توسط مرحوم یزدی و ایجاد دیالوگ وجود نداشت. مطمئناً اطلاعاتی که موسوی خوئینی‌ها با خود حمل می‌کنند، نه متعلق به ایشان که مربوط به ملتی است که تسخیر لانه جاسوسی و اتفاقات پیرامونی آن، تأثیری ژرف بر سر نوشت اجتماعی‌اش داشته‌است. بنابراین انتظار می‌رود که ایشان پیش از آنکه بسیار دیر شود، نسبت به شفاف‌سازی نقاط تاریک ماجرای تسخیر سفارت آمریکا اقدام کنند. در زمانی که تمامی راه‌ها برای فهم علت انتشار گزینشی اسناد به «حق و توتی» ایشان بازمی‌گردد، حق مردم ایران است که زمانی که دیگر افراد دخیل در وقایع مربوط به آن دوران در قید حیات هستند و امکان بازگویی و روشن‌سازی آنچه را که رخ داده‌است دارند، شنوای رزهای نگفته آیت‌الله باشند.

تعریض

شنبه ۱۳ آبان ۱۳۹۶



گزارش

نظرگاه

نظر دکتر یزدی درباره تسخیر سفارت آمریکا چه بود؟

چند هفته مانده به سی‌وهشتمین سالگرد تسخیر سفارت آمریکا، سید محمد موسوی خوئینی‌ها گزارشی در کانال شخصی خود منتشر کرد از دیدارش با اعضای «انجمن وفاق و توسعه». در این نشست سوالی درباره مواضع مجمع روحانیون در خصوص تسخیر سفارت در آن زمان و تفاوت این مواضع با امروز پرسیده شده که آیت‌الله موسوی خوئینی‌ها در بخشی از پاسخ خود به این سوال عنوان کردند: «این سوال نباید این‌ن تصور اشتباه را ایجاد کند که سایرین ضدامریکا نبوده‌اند. از میان احزاب، گروه‌ها و جمعیت‌های سیاسی که در ایران می‌شناسم هیچ کدام طرفدار دوستی با آمریکا نبوده‌اند.» سپس برای اثبات این نظر از مرحوم دکتر یزدی مثال زدند که از چپ‌ترین‌ها تا راست‌ترین‌ها از این حرکت حمایت کردند؛ مرحوم دکتر یزدی که – خاوندان او اشمسول رحمت خود فرماید- در دوره اول مجلس شورای اسلامی از تریبون مجلس اعلام کرد که «بله، بعد از اینکه مسئله گروگانگیری اتفاق افتاد، من اولین کسی بودم که تایید کردم و با آقای موسوی خوئینی‌ها تلفنی تماس گرفتم و گفتم «آقایان کار لازم بوده.»

اشاره دیر کل مجمع روحانیون مبارز به بخشی از نطق ابراهیم یزدی، وزیر خارجه دولت موقت و دبیر کل فقید نهضت آزادی ایران در روز ۲۷ شهریور ۱۳۵۹ است که پس از بیان این عبارت گفته بود: «در این مورد هم من تحلیل‌های گزاشته را دارم، راجع به اینکه چگونه باید محکمات بشوند، تمام اینهارا من نوشتم و تازه هم نیست. وزیر امور خارجه آمریکا می‌خواست راجع به مسائل با ماس صحبت بکند ما قبول نکردیم.» جمله‌ای که آیت‌الله موسوی خوئینی‌ها از مرحوم یزدی نقل کردند به دلیل اینکه برای اولین بار بعد از فوت او نقل می‌شد و اینکه برخی اعضای نهضت آزادی معتقد بودند به عمد ناقص مطرح شده واکنش‌هایی را به‌دنبال داشت، از جمله مهدی معتمدی مهر، مسئول کمیته آموزش و عضو دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران در یادداشتی که در اختیار «تاریخ ایرانی» قرار داد، نوشت: «آقای موسوی خوئینی‌ها درست می‌فرمایند که دکتر یزدی در آن جلسه مجلس شورای اسلامی گفته که من اولین نفری بودم که تایید کردم اما این ماجرا انیست و متأسفانه سنتی در ایران شناخته شده است که گفتن نیستی از حقیقت، عموماً معنایی جز تحریف حقیقت از ارائه سخنان کذب بعدی ندارد.

شادروان دکتر یزدی البته قبلاً هم پیشنهاد تعطیلی سفارت آمریکا را به آیت‌الله خمینی داده بود و همین نشان می‌دهد که ایشان هم نگرانی‌ها و اعتراضات جدی به سیاست‌های دولتمردان آمریکا داشته است که رهبر انقلاب پاسخ می‌دهد: کژدار و مرزبز رفتار کنید. اما میان کاهش و حتی توقف روابط دیپلماتیک و حمله به یک سفارت خارجی و گروگان گرفتن کارمندان و دیپلمات‌ها بیدرفق اساسی قائل بود. دکتر یزدی در مناسبت‌های فراوان گفته است که منظور ایشان از تایید، بیان اعتراض به سیاست‌های آمریکا و پذیرفتن شاه بوده است، اما متأسفانه آقای موسوی خوئینی‌ها به باقی تماس تلفنی اشاره ندارد که دکتر یزدی به ایشان گفته است: اعتراض تان را انجام دادید. حالا دیگر از سفارت بیرون بروید و گروگان‌ها را تحویل بدهید!» اشاره معتمدی به انتقاد مرحوم یزدی به طولانی شدن تسخیر سفارت و نگه‌داشتن گروگان‌هاست.

پیش از این در مناظره مکتوبی که بین مرحوم یزدی و عباس عبیدی در مجله مهر نام صورت گرفته بود، از سوی عباس عبیدی مطرح شده بود که «ایشان (یزدی) گفته‌است این کار لازم بوده است. همچنین با توجه به متن صورت مذاکرات، گویا آقای دکتر یزدی معتقد به این بوده‌است که باید گروگان‌ها محاکمه شوند.» روزنامه کیهان اما دوروز پس از اشغال سفارت گفت‌وگویی از دکتر یزدی منتشر کرد که در آن گفته بودند «گرو چه طبق مقررات بین‌المللی، دولت ایران موظف به حفاظت از جان و مال اتباع خارجی است و ما به‌عنوان دولت از وقوع چنین حادثه‌ای متاسفیم و نهایت کوشش خود را به کار خواهیم برد تا این مسئله به‌صورت رضایت‌بخشی حل شود.»ع‌الذکر مسئولیت حوادث، استقیما متوجه دولت آمریکایی‌مانیم…لاجرم به تنه‌اره برای ملت ایران به منظور محکم‌العمل و نشان دادن مواضع خود به دنیا عمل شد…» مرحوم یزدی اما در پاسخ به عبیدی نوشته بود: «برخی حمایت‌های اولیه که از سوی فعالان و نیروهای انقلابی از عمل دانشجویان صورت پذیرفت به این دلیل بود که قرار بود، سفارت ظرف سه روز تخلیه شود ولی جریان‌های سیاسی راه را بر این کار بستند و تلاش‌های پیدا و پنهانی کردند تا با حربه گروگان‌ها دولت‌کارت را تساقط کنند.»

عکس‌نوشت